



تلویزیون چیز دیگری می‌گوید!

دبیر تفکر و سواد رسانه‌ای، منطقه ۳ تهران
حسین حق‌پناه



سال گذشته در کلاس تاریخ، هنگامی که مشغول بحث درباره یک واقعه تاریخی معاصر بودیم، دانش‌آموزی داشتم که اصرار داشت آنچه من می‌گویم و در کتاب درسی هم نوشته شده اشتباه است و چنین استدلال می‌کرد: «آقا! من مطمئنم شما اشتباه می‌کنید! خودم توی تلویزیون - شما بخوانید ماهواره - دیدم که چیز دیگری نشان می‌داد!» از او پرسیدم: «به نظر تو واقعاً اعتبار گفته‌های من معلم یا نوشته‌های کتاب‌های تاریخی درست‌تر است یا آنچه تلویزیون نشان می‌دهد؟» جواب داد: «آقا شما می‌خواهید به زور حرف‌های خودتان را به ما یاد بدهید و براساس منافع شخصی و سیاسی‌تان حرف می‌زنید. اما برنامه تلویزیونی واقعیت را نشان می‌دهد!»

آموزش ناهمسان

نمی‌دانم خوانندگان این مقاله، موقعیت مشابه با موقعیت بالا را در کلاس درس خود تجربه کرده‌اند یا نه؛ اما به نظر می‌رسد این مسئله منحصر به کلاس درس من نبوده و نیست. امروزه بسیاری از نظام‌های آموزش و پرورش دنیا درگیر پدیده «آموزش ناهمسان» هستند. تا قبل از ظهور رسانه‌های نوین، آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی رسمی، مجموعه‌ای از مطالب کاملاً مشخص و مورد تأیید ساختار قدرت را به‌طور سنتی منتقل می‌کرد. معلم اصلی‌ترین مرجع علم‌آموزی و دریافت اطلاعات صحیح و معتبر بود و زبان گویای دیگری بیرون مدرسه وجود نداشت که مطالب خود را برای دانش‌آموزان بیان کند و آن‌ها هم مخاطبش باشند. اما امروز، رسانه‌ها وظیفه آموزش غیررسمی و آموزش پنهان را برعهده گرفته‌اند و در بسیاری اوقات محتوایی مغایر با محتویات مصوب درسی را عرضه می‌کنند. در چنین شرایطی دانش‌آموزان در یک فرایند دائمی، آموخته‌های خود از تلویزیون و اینترنت و ... را با مباحث رسمی درسی مقایسه می‌کنند که در نتیجه دچار تعارض می‌شوند. این آموزش‌های ناهمسان می‌تواند لطمه‌های جدی به تعلیم و تربیت وارد سازد. اما این تنها چالش نهاد آموزش با رسانه‌ها نیست، بلکه چالش‌های دیگری هم هست که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

به‌سوی مدارس هوشمند

رسانه‌های نوین باعث دگرگون شدن کیفیت و شیوه‌های عمل مراکز رسمی علمی شده و آن‌ها را واداشته‌اند تا خود را از نظر انطباق با کاربرد فناوری‌های پیشرفته تجدید ساختار کنند. اما این تجدید ساختار معمولاً ابتدا در فضای سخت‌افزاری اتفاق می‌افتد و پای ابزارهایی همچون صفحات نمایش، رایانه و اینترنت را به کلاس‌ها باز می‌کند. آموزش از راه دور و آموزش معکوس هم از جمله روش‌های نوین آموزش است که این روزها و به مدد همگانی شدن استفاده از رسانه‌های جدید گسترش یافته است. اما تغییر اصلی باید در محتوای آموزشی اتفاق افتد. یعنی جایی که آموزش فناوری اطلاعات، کاربردهای رایانه، سواد دیجیتال، سواد رسانه‌ای و مواردی از این قبیل جای خود را در برنامه‌ریزی آموزشی باز کرده و در کنار ریاضی و فیزیک و ادبیات به‌عنوان دروس رسمی تدریس می‌شوند.

رسانه به‌جای معلم

زمانی در بریتانیا مطالعاتی صورت گرفت که نشان می‌داد گروه همسالان و خویشاوندان می‌توانند برای پسرهای جوان مهم‌تر از معلمانشان باشند، و لذا فقدان معلمان مرد، به‌عنوان الگوهای نقش در مدارس، از سوی رسانه‌ها به‌عنوان یک نگرانی مهم مطرح شده بود. هر چند آن پژوهش که بعداً در چهار مدرسه در هر تفرورشایر انگلستان نیز اجرا شد، رابطه مذکور را تأیید نکرد اما مسئله مهم‌تری را نشان داد: برخلاف ادعای دولت و رسانه‌ها که معتقدند معلمان مرد الگوهای نقش دانش‌آموزان پسر می‌باشند، ارجاع بسیار ضعیفی به این قشر وجود داشت. در عوض سلبریتی‌ها (یعنی ستاره‌های برآمده از رسانه‌ها) همچون ورزشکاران، بازیگران و خواننده‌های موسیقی انتخاب اصلی دانش‌آموزان بود. این تحقیقات نشانه‌ای از یک چالش دیگر رسانه‌ها با آموزش و پرورش بود: جایگزینی الگوهای رسانه‌ای به‌جای الگوهایی که سعی می‌شود در مدارس برای دانش‌آموزان معرفی و تبلیغ شود.

سرگرمی + آموزش

یکی از خصوصیات مهم رسانه‌های تصویری سرگرم‌کنندگی و جذابیت آن‌هاست. تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ای نیز تلاش می‌کنند برای جذب و نگه‌داشتن مخاطب از این خصوصیت استفاده کنند. همین مسئله باعث شده است عمده محتوای آموزشی رسانه‌ها جنبه سرگرمی و تبلیغاتی نیز داشته باشند و شیوه خاصی از آموزش به نام «سرگرم‌آموزی»^۱ را ترویج کنند. در این شرایط، استفاده گسترده کودکان و نوجوانان از رسانه‌ها موجب می‌شود مخاطبان به سرگرم‌آموزی عادت کنند و هنگام مواجهه با گونه‌های رسمی و سنتی آموزش دچار مشکل شده و تمرکزشان را از دست بدهند. این وضعیت معلمان را برای افزایش جذابیت طراحی آموزشی، آمیختن آموزش با بازی و سرگرمی و حفظ تمرکز دانش‌آموزان در کلاس درس دچار چالش می‌کند. در کنار فرصت‌ها و تهدیدهای ذکر شده، مسئله «دانش تصنعی» یا «بی‌سوادی مدرن» یکی از مهم‌ترین چالش‌های به وجود آمده در سپهر آموزش و رسانه است که به امید پروردگار در شماره آینده درباره آن به تفصیل سخن خواهیم گفت.

* بی‌نوشت

۱. سرگرم‌آموزی فرایندی هدفمند به‌منظور انتقال پیام‌های آموزشی در قالب‌های سرگرمی است و ترجمه لغت انگلیسی Edutainment است که از ترکیب دو لغت Education و Entertainment به دست آمده است.

* منابع

۱. حسینی، سید بشیر و حق‌پناه، حسین. «۱۵۰ هشتگ #تهضت_سواد_ رسانه‌ای». تهران: رواق اندیشه، ۱۳۹۴، صفحات ۳۹-۳۷.
۲. خسروشاهی، حبیب. «آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن». فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۱۹۶-۱۵۳.
۳. قدیمی، اسماعیل. «نقش و تأثیر رسانه‌های همگانی نوین بر نظام آموزش و پرورش». کتاب ماه علوم اجتماعی. سال هفدهم، دوره جدید، شماره ۶۷، صفحات ۳۳-۳۹.
5. Cuc, M. C. (2014). The influence of media on formal and informal education. Procedia - Social and Behavioral Sciences (143), 68-72.